

مناظره

کاکه تیغون و کربلایی

بخش هشتم

سال دوم

امروز سه شنبه اول سال 2008 عیسایی طبق پیشگویی اوضاع جوی درجهء حرارت هوا در حدود صفر درجهء سانتی گراد، ابری و آفتابیست، هردو دوست بعداز گذشتاندن عید قربان و بعضی سفرها در کشورهای همجوار که مصادف به روزهای عید بود، در خانهء کاکه تیغون جمع شده و بعد از صرف نان چاشت باهم به مناظره می نشینند.

کاکه تیغون: کربلایی جان اینه روزهای عیدهم بخیر گذشت و مه حتا ده عید غدیرخم، که عظیم ترین اعیاد گفته شده و روز یس که رسول اکرم (ص) امام علی (ع) ره به خلافت و امامت مسلمین معرفی فرمودن ده مرکز اسلامی او غانا شرکت کدم.

کربلایی: بلی کاکه جان ما ده همی تاریخ هژداهم (هجدهم) ذی الحجه که مطابق 29 دسامبر پارسال بود، اشتراک داشتیم، اما از بس بیرو و بار بود ثره دیده نتانستم.

کاکه تیغون: کربلایی جان ده او روز کس به کس نمی رسید، خر خاوند خوده گم میکند، لیکن واده آخر که مه پیش همو آخذن کلان رفته و خدا حافظی کدم، مره گفت: فی امان الله، مه حیران ماندم که امان الله خانه ده اینجه چی غرض، چرا مه ره گفت فی امان الله؟

کربلایی: کاکه جان او مقصدش امان الله خان نبوده، عوض (خدا نگهدار) ثره گفته فی امان الله، که خوبتر نوکر عرب مالوم شوه.

کاکه تیغون: خو کربلایی جان مقصدش از خدا نگهدار بوده؟

هر دو دوست چند دقیقه میخندند و کاکه تیغون دوباره می پرسد:

کاکه تیغون: کربلایی جان مه یقین دارم که خبرای خوب ده وطن نیس بازام بگو که چه شنیدی و دیدی؟

کربلایی: کاکه جان چند خبره از bbc و تلویزیون بیات شنیدم، که یادداشت کدیم، بریت میگم، راستی غیر از خلق تنگی گپ خوب نداریم، مثلن چند روز پیش ده یک انفجار کنار جاده دو خارجی ده سمت مشرقی کشته شدن، ده هلمند و ولسوالی های دورا دورش کشتن ادامه داره، گپ تازه که مه از سایت های انترنیتی گرفتیم، یکی ده مورد مسکینیار اس و دگام ده مورد دو بیادرای آغای کرزی:

ده مورد مسکینیار ایس (اینست)، که آغای دکتور هاشمیان ده روز 11 اگست 2007 ده برنامه " چیه گرمک " تلویزیون خراسان (حامد قادری) گفته بود، وده سایت " پندار " برآمده بود:

" هاشمیان، که باجه مسکینیار هم است، مسکینیار را بی آب و بی پرده ساخت، با داکتر هاشمیان مصاحبه شد و فشرده آن اینست: هاشمیان به جواب پرسشی در مورد تلاشهای اخیر تبلیغاتی نبیل مسکینیار مسئول تلویزیون آریانا افغانستان جهت تشکل سیاسی ایکه تا کنون سه بار نام بدل نموده است، مسایل ایرا عنوان نموده و بعداً بصورت خاص در مورد سوابق مسکینیار گفت: یکی از کارمندان سابق سازمان جاسوسی امریکا (سیا) کتابی نوشته تحت عنوان از بالهای شیطان، ضمن شرح خاطرات خود نگاشته است که در زمان حکومت انور السادات در مصر (سیا) مرکز

خاصی در قاهره تأسیس و فعال ساخت تا از آنجا علیه نفوذ شوروی در خاور میانه و افغانستان فعالیت نماید.

او می نویسد که سیاه تعداد یازده نفر را برای کار در این مرکز با معاشات گزاف استخدام کرد، که اسمای شان چنین است:

موسا معروفی، دگروال صالح، رافع، شفیق راحل، نادر ایوبی، تاج ایوبی، نبیل مسکینیار، غلام جان هرانی (شریف فایز) و خود نویسنده کتاب. در اینجا آقای هاشمیان همین تعداد را از حافظه خود نقل نمود، بعداً این گروه از قاهره واپس به مرکز واشنگتن فرا خوانده شدند که مسکینیار به کار تکسی رانی مصروف گردید. " کاکه تیغون مانند همیشه در گپ در آمده و میگوید:

کاکه تیغون: کربلایی جان او شو خود مسکینیار ده برنامه از گپ گپ میخیزه خود اعتراف کد که مه چند سال ده مصر بودم و کلمهء (رحلته) که به بینظیر بوتو استعمال کدیم درست اس ومه عربی می فامم!

کربلایی: کاکه جان تو همیشه ده گپ می درایی ونمی مانی که اصل گپ تمام شوه، بازام آفرین خوب متوجه شدی وای اعتراف مسکینیار حرفهای باجه یش تصدیق میکنه! تو بان که مه دیگه گپای آغای هاشمیانه بریت دوام بتم.

"از آقای هاشمیان در مورد سطح تحصیلات مسکینیار که باهم باجه می باشند وشناخت کافی دارد، پرسیده شد، آقای هاشمیان گفت: سالهای که من در پوهنتون کابل استاد بودم، در چوکات پوهنتون شعبهء خاصی وجود داشت که اسناد تحصیلی صادر شده به افغانها از کشور های خارج را بررسی وصحت ویا عدم صحت آنها تثبیت میکرد، در آن وقت آقای مسکینیار که در کابل تا صنف نهم درس خوانده بود طی اقامت شش ماهه در تاجکستان شوروی، دیپلوم بکلوریا را با خود آورده وبر اساس آن شامل صنف اول فاکولته ادبیات شده بود، اما زمانیکه دیپلوم وی برای تأیید از طریق وزارت خارجه به سفارت شوروی فرستاده شد، پس از سه ماه جواب رسید که دیپلوم از هیچ یک از مؤسسه تحصیلی مربوط کشور شوروی صادر نشده است، همین بود که مسکینیار از فاکولته اخراج گردیده وحالا خود را داکتر میخواند."

کاکه تیغون: شاید ده دروغگویی وکارای ساخته گی دکتوری گرفته باشه و به همی خاطر که شوروی ها دروغش کشیدن شاید حالی اوناره بد ورد میگه، چطو کربلایی جان؟ اگه نی یام ده اول دست پرورده شوروی ها بوده!

کربلایی تبسم کنان میگوید:

صیر کو که تا آخر بریت بخانم باز گپ بزن وکربلایی ادامه میدهد:

" داکتر هاشمیان همچنان روش مسکینیار را که در تلویزیون آریانا به مخالفین خود مجال ابراز نظر نداده وصدای دیگر اندیشان را قطع میکند، شخص خود خواه، بی ادب و ضد دموکراسی نامید، بدینترتیب چلو صاف آقای مسکینیار که پیوسته علیه حکومت کرزی وگروه های معین سیاسی در افغانستان، آسمان و ریسمان بافته وخود را ابلهانه بحیث بدیل کرزی طرح میکند، از آب کشیده شد(آنها توسط باجهء خودش!) .
ارسالی آبدیده

هاشمیان مسکین یار را عضو سی آی ای خواند"

اینالی بگو کاکه جان چیزی گپ داری؟

کاکه تیغون: بلی کربلایی جان مه همی هاشمیانه می شناسم، ای خانه نداشت، ده سر بام پلازا یک اپارتمان کرایه داشت وچندان آدم متمول و متملق نبود وده عین زمان مامای (دو، روغ) اس،(یعنی دو برادر که هر دو ی شان روغ تخلص داشتند ودارند) البته خواهر زاده هایش راه و رسم خوده داشتن ومامای شان ده عالم خود بود واس.

هر دو دوست چند دقیقه خندیدند وبه حال مسکینیار ورفیقای شان که اعضاء سی آی ای برآمدند تأسف کردند، کربلایی میگفت:

مه از اول می فامیدم که غمی مسکینیار (غمین مسکینیار) عضو سی آی ای اس، اما اینالی سند قوی وانکار ناپذیر پیداشد، که مالوم دار آغای هاشمیان دروغ نمیکه واز خودگی شام اس.
کاکه تیغون: خو کربلایی جان، دگه ازی جریده عالم (سایت انترنیتی) چی پیدا کدی؟
کربلایی: یک موضوع بسیا دلچسپ دگس، ده مورد، مامسود (محمود) کرزی وبرادرش ولی کرزی که اولیش مافیای سمنت اس ودومی ایش مافیای مواد مخدرخانده شده.
اینه هر دوی شه بخان:

"بدنبال اتهامات دست داشتن مافیای اقتصادی در ترور شهید کاظمی، اینک تام باکس رئیس یک کمپنی مهم مشورتی و سرمایه گذاری امریکایی محمود کرزی را متهم به ربودن قرار داد سمنت غوری با سوءاستفاده از روابط فامیلی اش با رئیس جمهور کرزی نموده است.
بنابرگزارش دالاس مورنینگ نیوز مورخ 18 دسمبر 2007، تام باکس رئیس کمپنی "مشاوره بین المللی باکس" نارضایتی خود را از سپردن قرار داد کارخانجات سمنت غوری 1 و 2 به برادر رئیس جمهور افغانستان، محمود کرزی ابراز داشته است.
بنا بر این گزارش بازار سمنت افغانستان در انحصار پاکستان و نواحی هرات در انحصار سمنت ایرانی می باشد. اما بعد از زلزله اکتوبر 2005 در پاکستان، بدلیل نیاز داخلی خود پاکستان واردات سمنت از آنکشور به افغانستان کم و قیمت های سمنت در افغانستان افزایش یافت. آقای تام باکس امریکایی و کمپنی اش از طرف آژانس تجارت و انکشاف امریکا وظیفه گرفتند که مطالعه جهت احداث کارخانجات سمنت سازی در داخل افغانستان را تکمیل نمایند. هرچند پاکستان در ماه می 2006 ممنوعیت صادرات سمنت اش به افغانستان را لغو کرد اما این مطالعه کمپنی امریکایی ادامه یافت.

آقای تام باکس در سال 2006 به دولت افغانستان مشوره داد که فعال سازی کارخانجات سمنت سازی در شمال افغانستان مقرون به صرفه است زیرا قسمت های جنوب هندوکش در انحصار سمنت پاکستانی و هرات در انحصار سمنت ایرانی می باشد. در کوه های شمال هندوکش در گردنه سالنگ دو کارخانه کوچک سمنت سازی دولتی بنامهای «غوری یک» و «غوری دو» در شهر پلخمری وجود داشت .

آقای تام باکس انتظار داشت که دولت افغانستان بعد از آن از کمپنی وی بنام «مشاوره بین المللی باکس» دعوت نماید تا یک گروه سرمایه گذاری را تشکیل داده و کارخانجات سمنت سازی دولتی غوری یک و دو را بازسازی نماید.

اما هنگامیکه در ماه اپریل گذشته (حمل 1386) «کمپنی سرمایه گذاری افغان» که ریاست آنرا محمود کرزی دارد، کارخانجات سمنت سازی مذکور را خریداری نمود، باعث حیرت و تعجب آقای تام باکس گردید. دولت ادعا کرد که فروش آن کارخانجات سمنت سازی به برادر رئیس جمهور افغانستان در قالب ابتکارات خصوصی سازی دولت صورت گرفت.

این روزنامه امریکایی در ادامه این گزارش تکان دهنده از فساد اداری دولت کرزی مینویسد: مردم افغانستان در نظر سنجی ها فقط از طالبان و بنیاد گرایی سبک پاکستان نفرت ندارند، بلکه از فساد و رشوت ستانی در داخل دولت حامد کرزی نیز متنفر و منزجر هستند. جناح های قدرتمند نزدیک به رئیس جمهور از خون این کشور در حال هلاکت به ثروت اندوزی مشغول اند."

پیمان ملی

کاکه تیغون: ولا (والله) کربلایی جان آدم چیزای می شنوه که شاخ میکشه، وا بحال ملت بد بخت ما، خو کربلایی جان دگه چی گیاس؟

کربلایی: کاکه جان یک خبر از ملک همسایه ما (پاکستان) ویک فکاهی ویک کیستانام بریت میخاتم و بس که نا وخت میشه.

کاکه تیغون: ده پاکستان چه گپ شده؟

کربلایی: ده پاکستان، دو سه سات (ساعت) باد از ملاقات آغای کرزی با بی نظیر بوتو، بینظیره ده یک کمپاین تبلیغاتی ترور کدن یانی که کُشتن، روز پنجشنبه 27/12/2007 بی نظیر بوتو که یک وختی صدرآزم (صدر اعظم) پاکستان بود و موضوع طالباره ده کنفرانس لندن بر ملا ساخته بود و اگه یادت باشه مه از روی نشریهء دریح (دریز) وهم از کتاب حکمتیـار بریت خوانده بودم، که گفته بود، طالبـا پروژـهء انگلیسی بوده وکشورای عربی پول میدادن وامریکایا واره تربیت میکدن، اینمی رازه همی بی نظیر بوتو فاش کده بود، که جزای خوده دید، بس خلاص.

کاکه تیغون: حال مالوم نشد که اوره کی کشت؟

کربلایی: کاکه جان، مه بریت لچ و پوست کنده گفتم، تو که نیمفامی مه چطو کنم!

کاکه تیغون: خو کربلایی جان بـمو خاطر افشاگریش؟ اینالی فامیدم، بسیار کار خراب شد، همیشه همی سران کشورای شرقی ره میکشن، خدا یاره ده قار خود گرفتار کنه، کربلایی جان بگو همو فکاهی ته وبخان کیستان ته که باز بخیر بریم جماعت خانه.

کربلایی: گوش کو کاکه جان! یک نفر ده کابل یک مسجد جامع ساخت با قبه سبز و مقبول یک منار بری آذان هم داشت، ملا هر روز آذان میداد، اما هیچ کس ده مسجد نمی آمد، بجز دوسه نفر و خود کسی که مسجد ساخته بود، همو از دگا (دیگرها) پرسان کد چطو کنیم که اهالی منطقه کل شان ده مسجد بیاین، یک نفر گفت که باید اعلان کلان نوشته شوه، وظیفه نوشتن اعلان بری ملا داده شد، ملا امام مسجد، یک اعلان کلان نوشته کد: (اینجا مسجد جامع اس، تاوه خانه گرم داره، نماز صبح یک رکات بدون وضو) صبایش مردم زیات آمد، که حتا ده مسجد جای نماد.

هر دو رفیق میخندن و کربلایی کیستان را می خواند:

کیستند دو برادر بد کار **مافیای سمنت واز کوکنار**
حامی شان رئیس جمهور است **زان سبب عایدات شان بسیار**

کاکه تیغون: هموای که (همان هائیکه) پیشتر از سایت انترنیتی کشیده بودی شان.

کربلایی: آفرین کاکه جان، بیا که بریم جماعت خانه، یا الله.

بخشهای دیگر انشاءالله در هفته های آینده.